

ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی

(مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)

محمد رضا رضوانی* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

حسین منصوریان - کارشناس ارشد سیستم اطلاعات جغرافیایی، دانشگاه شهید بهشتی

فاطمه احمدی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

پذیرش نهایی: ۱۳۸۸/۱۱/۱۴

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۷/۱۶

چکیده

در سال‌های اخیر، توسعه شهرهای کوچک از طریق ارتقای روستاها به شهر، به عنوان یکی از سیاست‌های اصلی بهبود کیفیت زندگی نواحی روستایی در ایران مورد توجه قرار گرفته است و در این مسیر طی چند دهه اخیر، تعداد زیادی از نقاط روستایی به شهر ارتقا یافته‌اند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیرات ارتقای روستاها به شهر بر کیفیت زندگی ساکنان محلی، از طریق مطالعه شاخص‌های ذهنی است. محدوده انجام تحقیق، شهرهای فیروزآباد در استان لرستان و صاحب در استان کردستان است، که در ۱۰ سال گذشته از روستا به شهر ارتقا یافته‌اند. روش تحقیق؛ توصیفی - تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه کنترل‌شده، جمع‌آوری شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در مجموع، ارتقای روستا به شهر باعث بهبود چشمگیر کیفیت زندگی در شهر فیروزآباد و بهبود نسبی کیفیت زندگی در شهر صاحب شده است.

کلیدواژه‌ها: روستا، شهر، ارتقای روستا به شهر، کیفیت زندگی، فیروزآباد، صاحب.

مقدمه

پایین بودن سطح زندگی در نواحی روستایی و در نتیجه مهاجرت روستاییان به سمت شهرهای بزرگ، مسائل و مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و محیطی را هم در نواحی



روستایی و هم در شهرها به دنبال داشته است. سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی برای کاستن از آثار منفی این مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های شهری و روستایی در کشورهای در حال توسعه - و از جمله ایران - در پیش گرفته شده است. بر این اساس، ایجاد و توسعه شهرهای کوچک همواره به عنوان یکی از سیاست‌های عمده در امر برنامه‌ریزی کشورهای در حال توسعه مدنظر بوده است. در کشور ما نیز توسعه شهرهای کوچک از طریق اجرای سیاست ارتقای روستاهای بزرگ و مستعد به شهر شدن، یکی از مهمترین اقداماتی بوده که با هدف بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی در نواحی روستایی، کاهش مهاجرت به شهرهای بزرگ و جذب مهاجران در شهرهای کوچک انجام گرفته است. برخی مطالعات نیز مؤید کارکردهای بالقوه و بالفعل توسعه‌ای تبدیل مراکز روستایی به شهر است؛ زیرا شهرهای کوچک با ایجاد فرصت‌های شغلی غیرزراعی و ارائه خدمات مورد نیاز ساکنان، در کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر نقش مؤثری ایفا می‌کنند و زمینه توزیع متعادل جمعیت، امکانات و سرمایه را فراهم می‌آورند (رکن‌الدین افتخاری و ایزدی خرامه، ۱۳۸۱). هم‌سو با این سیاست، طی چند دهه گذشته تعداد زیادی از نقاط روستایی در کشور به نقاط شهری تبدیل شده‌اند. در طی سال‌های ۴۵-۱۳۳۵، تعداد ۷۸ روستا به شهر ارتقا یافتند. افزایش تعداد شهرها از طریق ارتقای روستاها در طی سال‌های ۵۵-۱۳۴۵، ۶۵-۱۳۵۵ و ۷۵-۱۳۶۵ به ترتیب ۹۶، ۱۲۳ و ۱۱۶ شهر بوده است، و این تعداد در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ با رشدی چشمگیر، به ۴۰۶ شهر می‌رسد.

به عبارت دیگر، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، تعداد ۸۱۷ شهر به شهرهای کشور افزوده شده است. از این تعداد ۲۵ نقطه، شهرهای جدید و نوبنیادی بوده که در اطراف کلان‌شهرها با هدف جذب جمعیت مازاد و سرریز آنها ایجاد شده‌اند، ولی بقیه روستاهایی بوده‌اند که به دلایلی مانند تقاضا و پیگیری مردم محلی، مشارکت مالی مردم محلی، موقعیت مناسب یا خاص جغرافیایی، موقعیت خاص سیاسی (مرکزیت بخش در

تقسیمات کشوری، جمعیت نسبتاً زیاد، پیگیری نماینده شهرستان در مجلس، و در نهایت با موافقت مسئولان در سطح بخش، شهرستان، استان، وزارت کشور و کمیسیون سیاسی و دفاعی دولت) به شهر ارتقا یافته‌اند. در این زمینه، تبصره ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری نقش مؤثری در تشدید روند تبدیل نقاط روستایی به شهر داشته است. طبق این تبصره «مراکز بخش با هر میزان جمعیت و همچنین روستاهای واجد شرایط (مندرج در ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری) چنانچه در تراکم کم دارای ۴۰۰۰ نفر و در تراکم متوسط بالغ بر ۶۰۰۰ نفر جمعیت باشند می‌توانند به عنوان شهر شناخته شوند» (دفتر تقسیمات کشوری، ۱۳۸۵).

تاکنون در داخل کشور در زمینه ارتقای روستاها به شهر و تأثیرات آن بر توسعه نواحی روستایی اطراف، مطالعاتی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به مطالعات حسینی حاصل (۱۳۷۸)، ایزدی خرامه (۱۳۸۰)، رستمی (۱۳۸۰)، شیخی (۱۳۸۲)، فنی (۱۳۸۲) و قادرمزی (۱۳۸۳) اشاره کرد؛ ولی در خصوص تأثیرات این ارتقا بر ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی ساکنان محلی و روستاهای اطراف، تحقیقات مشخصی انجام نشده است.

روند شتابان ارتقای روستاها به شهر در ایران با تقاضاهای گسترده مردم در جهت بهبود وضع زندگی و برخورداری از امکانات و خدمات بهتر شکل گرفته است، از این رو لازم به بررسی است که این انتظارات پس از گذشت زمانی معین تا چه اندازه برآورده شده‌اند. هدف مقاله حاضر تبیین اثرگذاری ارتقای روستاها به شهر در بهبود کیفیت زندگی ساکنان شهرهای ایجاد شده است. پرسش اساسی این است که ارتقای روستاها به شهر در ایران تا چه حد به بهبود کیفیت و استانداردهای زندگی در سکونتگاه‌های شهری انجامیده است. برای این منظور، به مطالعه دو روستای ارتقایافته به شهر، یکی در استان لرستان (فیروزآباد) و دیگری در استان کردستان (صاحب) اقدام شده است. هر چند انتخاب نمونه‌های بیشتر و در نواحی متنوع‌تر می‌توانست مفیدتر باشد، ولی با توجه



به اینکه هدف تحقیق حاضر دستیابی به تعمیمی کلی در این زمینه نبوده و از طرفی، محدودیت‌هایی برای نویسندگان در زمینه جمع‌آوری داده‌های میدانی وجود داشته است، انتخاب نمونه‌ها به همین دو مورد خلاصه گردید. به هر حال اگرچه هدف پژوهش حاضر، مقایسه دو شهر انتخاب‌شده با یکدیگر نیست، ولی انتخاب حتی دو شهر این امکان را به دست می‌دهد که آن دسته از ادراکات مردم از مؤلفه‌های مختلف کیفیت زندگی که به‌طور قوی با عمل سیاست‌گذاران عمومی مرتبطاند، شناسایی گردند و نظامی مؤثر برای پشتیبانی از تصمیمات مربوط به حوزه‌ها، راهبردها و اولویت‌های مربوط به اقدامات عمومی تدوین گردد.

شهرهای کوچک و توسعه محلی

راهبرد توسعه شهرهای کوچک از دهه ۱۹۷۰ به‌منظور ایجاد نظام سکونتگاهی متناسب و یک‌پارچه و الگوی عادلانه‌تر اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. عدم تعادل در نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی، توزیع مکانی نامتعادل جمعیت، دوگانگی بین نواحی روستایی و شهری، نادیده گرفته شدن منابع روستایی، تشدید مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، نظام متمرکز مدیریتی، همراه با آثار نامطلوب اجرای رویکردهایی نظیر قطب‌رشد، سبب شد که راهبرد توسعه شهرهای کوچک که مبتنی بر دیدگاه توسعه از پایین به بالاست، در جهت اهداف توسعه شهری، روستایی، منطقه‌ای و ملی مطرح شود و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشورها - به‌ویژه کشورهای در حال توسعه - مورد توجه و عنایت قرار گیرد (قادرمزی، ۱۳۸۳، ۱۵۰).

این راهبرد از آغاز دهه ۱۹۸۰ مورد توجه بیشتری واقع شد، به گونه‌ای که در کنفرانس‌های بین‌المللی جمعیت و آینده مناطق شهری در شهر رم، نیاز به عدم تمرکز و توسعه شهرهای کوچک‌تر مورد تأکید قرار گرفت (جعفرزاده راستین، ۱۳۶۶، ۲۶). بدین ترتیب در بیشتر کشورهای در حال توسعه، جهت‌گیری به سوی شهرهای کوچک

یا روستاشهرها با اهداف بهبود رفاه و کیفیت زندگی مردم در شهرها و روستاهای اطراف، کاهش نابرابری‌های موجود بین سکونتگاه‌ها، بهبود نظام سلسله‌مراتب سکونتگاهی، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، و تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری به یکی از وجوه مشخص سیاست‌های برنامه‌ریزی و عمران منطقه‌ای تبدیل شد. آرا و عقاید متفاوت و مختلفی در مورد نقش شهرهای کوچک در نوسازی، تأثیرات آنها در توسعه مناطق روستایی، عملکرد آنها به‌عنوان مراکز خدمات، و نیز نقش آنها در جلوگیری از مهاجرت روستایی مطرح است (زبردست، ۱۳۸۳). آلسو از جمله افرادی است که نقش چندانی برای شهرهای کوچک در جذب جمعیت مازاد قائل نیست، اما وجود آنها را در تکمیل شبکه اسکان و ایجاد مفصلی مناسب در برقراری تعادل بین زیستگاه‌های شهری و روستایی الزامی می‌داند. تیسدل در مورد توزیع شهرها از لحاظ تعداد و اندازه معتقد است، با توجه به اینکه نیروهای طبیعی بازار قادر به ایجاد نظام بهینه توزیع جمعیت در سکونتگاه‌های سرزمین نیستند، برایش پیشگیری از تمرکز در برخی از نقاط، توجه به رشد شهرهای کوچک‌مقیاس و میان‌مقیاس باید به‌عنوان راهی در سیاست‌گذاری نظام اسکان مورد تأکید قرار گیرد (امکچی، ۱۳۸۳، ۵۰).

نیل هسن در بیان نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی، شهرنشینی اشاعه‌یافته از پایین (سیاست از پایین) را که توسعه شهرهای کوچک و میانی را دربردارد، عاملی در جهت توسعه کشورهای در حال توسعه می‌داند که هدف آن کمک به رفع نیازهای اندک روستایی در مجاورت زندگی آنان است (باقری، ۱۳۷۵، ۸۵). اغلب سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان منطقه‌ای، بر نقش اساسی شهرهای کوچک به‌عنوان مراکز خدماتی منطقه‌ای در توسعه نواحی روستایی از طریق پیوندهای مستقیم تولید و نیز پیامدهای توزیع و رخنه به پایین تأکید می‌ورزند. به نظر آنها، وجود شهرهای کوچک، پیش‌نیاز توسعه روستایی و منطقه‌ای است (زبردست، ۱۳۸۳، ۲۵). اغلب کشورهای رو به رشد، عدم توازن و تعادل در اسکان جمعیت‌شان را ناشی از جریان نامطلوب و غیرمنطقی



مهاجرت‌ها به شهرهای بزرگ می‌دانند. با اطمینان می‌توان پذیرفت که شهرهای کوچک با زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرایط مساعد، می‌توانند در برقراری یک نظام منطقی سلسله‌مراتبی از حیث جمعیت و کارکرد موفق باشند. با تقویت و توسعه این شهرها، ظرفیت پذیرش جمعیت آنها افزایش می‌یابد و به سبب قرار گرفتن بر سر راه مهاجرهای روستایی، جریان مهاجرتی را به سوی خود و دیگر نقاط کوچک شهری، هدایت می‌کند (فنی، ۱۳۸۲، ۴۵). به هر حال، راهبرد توسعه شهرهای کوچک با توجه به اهداف و کارکرد خود می‌تواند هدف‌های اساسی توسعه روستایی را از طریق ایجاد زمینه‌های مناسب کسب‌وکار و زندگی در محیط‌های روستایی، کاهش فاصله عملکردی بین شهرها از طریق ایجاد روستاها به عنوان مراکز فعال روستایی، و جلب مشارکت مردم در فعالیت‌های مربوط به توسعه، محقق سازد (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۹).

در برخی از کشورهای در حال توسعه نظیر چین، کنیا، مصر، مالزی و برخی دیگر، به‌منظور جلوگیری از تمرکز شدید شهری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کاهش مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر، خدمات‌رسانی به روستاها و اهدافی از این دست، به امر توسعه و ایجاد شهرهای کوچک از طریق تقویت کانون‌های روستایی بزرگ و ارتقای آنها در سلسله‌مراتب سکونتگاهی توجه گردیده است. تجربه کشورهای در حال توسعه در ایجاد شهرهای کوچک جدید روستایی نیز حاکی از آن است که بیشتر تأکیدات بر روی توزیع خدمات پایه در حوزه‌های نفوذ کشاورزی به‌منظور تقویت جامعه روستایی از طریق فرایند شهرنشینی روستایی صورت گرفته است (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۲۰۳).

تحقیقات انجام شده در ایران نیز نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی دولت در پیگیری این سیاست، حضور و نفوذ بیشتر در روستاها به‌ویژه در سال‌های پیش از انقلاب بوده است، زیرا هر چند پایه‌های اقتصادی دولت تا پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ بر اقتصاد کشاورزی با ساختار روستایی استوار بود، اما مناسبات آن با روستا از

طریق نظام سنتی حاکم بر جامعه انجام می‌گرفت (رزاقی، ۱۳۶۷، ۲۹-۳۵). تحقیقات دیگری در این زمینه نشان می‌دهد، تبدیل روستا به شهر در کاهش مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای بزرگ‌تر و تثبیت جمعیت در نواحی روستایی، افزایش فرصت‌های شغلی - به‌ویژه در بخش خدمات اداری و تجاری - افزایش و بهبود کارکردهای خدماتی (ایزدی خرامه، ۱۳۸۰، ۵)، افزایش درآمد و رونق اقتصادی، تنوع شغلی و افزایش فرصت‌های اشتغال، رونق و تقویت صنعت و فعالیت‌های صنعتی، افزایش سطح سواد و سرمایه اجتماعی در شهرهای ایجاد شده و حوزه نفوذ (قادرمزی، ۱۳۸۳، ۱۵۵) مؤثر بوده است.

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی است که تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون زمان و مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی قرار دارد، و از این رو معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف بر آن مترتب است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (Epley and Menon, ۲۰۰۷).

همچنین کیفیت زندگی می‌تواند به عنوان «رابطه بین ادراکات فردی و احساسات مردم با تجربه‌های آنها در درون فضایی که در آن زندگی می‌کنند» تعریف شود (Wish, ۱۹۸۶, ۹۴). فو (۲۰۰۰) کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی خود قلمداد می‌کند. داس (۲۰۰۸) کیفیت زندگی را به عنوان بهزیستی یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آنها تعریف کرده است.



پسیون^۱ در سال ۱۹۹۵ کیفیت زندگی را چنین تعریف می‌کند: اصطلاح کیفیت زندگی به‌طور کلی به وضعیت محیطی که مردم در آن زندگی می‌کنند (نظیر آلودگی و کیفیت مسکن) و همچنین به برخی شرایط شخصی افراد (نظیر سلامت و میزان تحصیلات) اشاره دارد. به‌طور کلی می‌توان کیفیت زندگی را به‌عنوان برهم‌کنش میان میزان برآورده شدن نیازهای انسانی و رضایت افراد و گروه‌ها از تأمین نیازهای خود در یک ناحیه خاص تعریف کرد (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۷).

در مطالعات اخیر، کیفیت زندگی به دو روش اندازه‌گیری می‌شود. روش اول، شاخص‌های عینی را برای سنجش کیفیت زندگی مورد استفاده قرار می‌دهد. شاخص‌های عینی، شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی قابل سنجش برای انعکاس میزان تأمین نیازهای انسانی هستند که با استفاده از گزارش‌ها و آمارهای رسمی بررسی می‌شوند. این شاخص‌ها وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نشان می‌دهند. در این روش از شاخص‌هایی مانند تولید ناخالص داخلی، شاخص پیشرفت اصلی، شاخص سلامت اجتماعی و شاخص توسعه انسانی برای مقایسه‌های ملی و بین‌المللی استفاده می‌شود.

در روش دوم، شاخص‌های ذهنی قرار دارند که سطح رضایت افراد و گروه‌ها را - که اصطلاحاً به‌زیستی ذهنی نامیده می‌شود - ارزیابی می‌کنند (Costanza et al., ۲۰۰۶, ۲۶۸). این شاخص‌ها مبتنی بر گزارش شخصی افراد از ادراکات‌شان در مورد جنبه‌های مختلف زندگی است. این شاخص‌ها که مکمل متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی‌اند، ادراکات و ارزشیابی‌های افراد را از وضعیت عینی زندگی‌شان نمایش می‌دهد.

افزون بر مسئله تعریف و ابعاد کیفیت زندگی، بحث‌های زیادی درباره قلمروهای مورد استفاده در مطالعه کیفیت زندگی وجود دارد. کامینز^۱ در تعریف خود از کیفیت زندگی که هر دو بعد عینی و ذهنی را در نظر گرفته است، بیان می‌کند که از هفت قلمرو مهم شامل به‌زیستی مادی، سلامت، بهره‌وری، تعلق، امنیت، اجتماع محلی و به‌زیستی عاطفی می‌توان برای محاسبه شاخص ترکیبی کیفیت زندگی استفاده کرد.

اسمیت^۲ در سال ۱۹۷۳، شش قلمرو اصلی را که به‌طور گسترده‌ای در مطالعات کیفیت زندگی در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند، شناسایی کرد: (۱) درآمد، ثروت و کار؛ (۲) محیط؛ (۳) سلامت؛ (۴) آموزش؛ (۵) مشارکت؛ (۶) ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر جرم و جنایت.

هاگرتی^۳ و همکاران در سال ۲۰۰۱ اظهار داشتند که هفت قلمرو شامل روابط با خانواده، به‌زیستی عاطفی، به‌زیستی مادی، سلامت، کار و فعالیت مولد، احساس تعلق به اجتماع و امنیت فردی می‌توانند فضای کیفیت زندگی را به خوبی پوشش دهند. رضوانی و همکاران در سال ۱۳۸۷ به‌منظور ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، سه قلمرو اساسی از نیازها - شامل نیازهای اولیه، به‌زیستی و فرصت و فراغت - را مورد توجه قرار دادند.

در مطالعه حاضر، کیفیت زندگی به عنوان برهم‌کنش میان منابع، امکانات و فرصت‌های فراهم شده برای تأمین نیازهای انسانی و همچنین دریافت، ارزیابی و رضایت افراد و گروه‌ها از برآورده شدن نیازهایشان در یک مکان خاص در نظر گرفته شده است.

۱. Cummins

۲. Smith

۳. Hagerty

کیفیت زندگی انسان‌ها تأکید دارند (UNFPA, ۲۰۰۷). در کشورهای در حال توسعه، شهرنشینی پاسخی اجتناب‌ناپذیر به زوال یا رکود شرایط در نواحی روستایی است. اغلب مشاغل جدید در نواحی شهری به‌وجود می‌آید و اقتصاد شهری سهام‌دار عمده برای تنوع اقتصادی، رقابت و رشد منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. مراکز شهری سهم بسزایی در تولید ناخالص داخلی (GDP) دارند و به‌طور معناداری بهره‌وری خدمات و صنعت شهری در مقایسه با فعالیت‌های روستایی بالاتر است. مردم در نواحی شهری تمرکز می‌یابند، زیرا شهر جایی است که سرمایه‌گذاری جدید و شغل‌های جدید خلق می‌شوند، به عبارت دیگر شهرنشینی بازتاب موفقیت اقتصادی است. شهرنشینی، توسعه اجتماعی را نیز در کشورهای در حال توسعه تسهیل کرده است. تدارک خدمات اساسی شامل سلامت و آموزش برای جمعیت روستایی به شدت پراکنده، به مراتب دشوارتر و پرخرج‌تر از جمعیت‌های متمرکز در نواحی شهری است.

با وجود فواید زیاد شهرنشینی، بسیاری از سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه روند فزاینده شهرنشینی را زنگ خطری می‌دانند. آنها تأثیر عمیق بر سنت‌ها و روابط مرسوم و مشکل تدارک و آماده‌سازی خدمات و زیرساخت‌های عمومی، تکثیر سکونت‌گاه‌های غیررسمی، بدتر شدن شرایط محیطی، و افزایش مسائل اجتماعی مربوط به بیکاری و کم‌کاری را خاطرنشان می‌کنند. بیکاری و معضلات اجتماعی در بسیاری از نواحی شهری کشورهای در حال توسعه روندی فزاینده دارد، شرایط محیطی و سلامت روسوی زوال دارند، نابرابری در دسترسی به درآمد شدیدتر شده است و شواهد فقر، آسیب‌پذیری و ناامیدی به‌طور فزاینده‌ای در میان مردم نواحی شهری نمود می‌یابد، و همین مشکلات کیفیت زندگی را کاهش می‌دهند.

در مجموع لازم است بین آثار منفی حاصل از شهرنشینی بی‌رویه و شتابان - به صورت گسترش شهرهای بزرگ - و پیامدهای حاصل از ارتقای روستاها به شهرهای کوچک و گسترش کارکردهای شهری در آنها، تفکیک قائل شد؛ زیرا مسائل و مشکلات



حاصل از گسترش شهرنشینی را عمدتاً در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها می‌توان یافت. در شهرهای کوچک و متوسط چنین مشکلاتی وجود ندارد و یا شدت آن بسیار کم است، چرا که بسیاری از مطالعات انجام شده نقش شهرهای کوچک را - که عمدتاً از طریق ارتقای روستاها به شهر به‌وجود می‌آیند - در توسعه ناحیه‌ای و محلی مثبت ارزیابی کرده‌اند. بنابراین، مدل مفهومی تحقیق حاضر بر این اساس استوار گردیده که با توجه به رابطه میان شهرنشینی و کیفیت زندگی، ارتقای روستاها به شهر می‌تواند باعث بهبود ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی در قلمروهای ده‌گانه آن شود.

روش‌شناسی

در مطالعه حاضر به‌منظور ارزیابی نقش ارتقای روستاها به شهر در بهبود کیفیت زندگی مردم با استفاده از شاخص‌های ذهنی، سطوح رضایت در قلمروهای ده‌گانه کیفیت محیط، مسکن، آموزش، سلامت، به‌زیستی فردی، مشارکت، تفریح و اوقات فراغت، اطلاعات و ارتباطات، کار و درآمد و ثروت مورد بررسی قرار گرفته است. قلمروهای ده‌گانه و شاخص‌های مربوط به هر کدام در جدول ۱ آمده است. روش انجام تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. برای انجام تحقیق ۲۰۲ نمونه از بین ساکنان دو شهر فیروزآباد و صاحب به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند و با استفاده از شاخص‌های ذهنی، آثار ارتقای روستا به شهر بر کیفیت زندگی آنها مطالعه شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌ای است که محقق آن را با توجه به اهداف پژوهش تهیه کرده است. پرسش‌نامه مورد استفاده، اساساً از سؤالات بسته با پاسخ‌های در طیف لیکرت پنج مقیاسی (خیلی بهتر شده: ۵، تا خیلی بدتر شده: ۱) تشکیل شده، که سؤالات آن در محدوده ده قلمرو عمده زندگی تعریف شده‌اند.

--	--	--

/		
/		
/		
/		
/		
/		
/		
/		
/		
/		
/		

به منظور سنجش اعتبار درونی، ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسش‌نامه استفاده شده است. در این روش، با استفاده از مقیاس‌های آزمون شده در پژوهش‌های کیفیت زندگی و نظرخواهی از استادان و کارشناسان، گام اول برداشته شد.



سپس پرسش‌نامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی پر شد و با بررسی پاسخ‌های به‌دست آمده از ۳۰ پرسش‌نامه و انجام محاسبات آماری مناسب، پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. به‌منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد، که مقادیر آن برای هر قلمرو به‌صورت جداگانه در جدول ۱ نشان داده شده است. از آمار توصیفی برای خلاصه‌سازی نتایج پیمایش، آزمون T برای آزمون فرضیه‌ها و تحلیل رگرسیون برای ایجاد مدل علی کیفیت زندگی در محیط نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است.

معرفی شهرهای مورد مطالعه

شهر صاحب

نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر صاحب را ۱۴۸۹ نفر اعلام کرده است. این شهر که در سال ۱۳۷۹ از روستا به شهر ارتقا یافته، در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ دارای رشد جمعیت سالانه‌ای معادل ۴/۱ درصد بوده است. تعداد خانوارهای ساکن در این شهر در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۸۷ خانوار بوده که این تعداد در سال ۱۳۸۵ به ۳۳۴ خانوار رسیده است. بعد خانوار در این شهر روند رو به کاهشی را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که از ۵/۳ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۴/۷ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نسبت جنسی در این شهر روند رو به رشدی را نشان می‌دهد و از ۸۶/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ - یعنی در مقابل هر ۱۰۰ مرد ۸۶ زن - به ۹۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. سطح سواد در این شهر در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ پیشرفت در خور توجهی داشته است. در سال ۱۳۷۵، ۶۳ درصد افراد ۶ ساله و بالاتر در این شهر باسواد بوده‌اند که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۷۵ درصد رسیده است. تغییرات ایجاد شده در نسبت باسوادی برحسب جنس نیز وضعیت امیدوارکننده‌ای را نشان می‌دهد، به‌طوری‌که ۷۳ درصد مردان و ۵۲ درصد زنان در سال ۱۳۷۵ باسواد بوده‌اند، اما این ارقام در سال ۱۳۸۵ برای مردان به ۸۴ درصد و برای زنان به ۶۸ درصد رسیده است. در سال ۱۳۷۵ نرخ اشتغال

۴۹/۳ درصد و نرخ بیکاری ۶ درصد بوده، که این آمار در سال ۱۳۸۵ به ترتیب به ۵۸/۰۳ و ۲ درصد رسیده‌اند. نکته مهم، کاهش تدریجی سهم شاغلان زن در دوره زمانی ۸۵-۱۳۷۵ است که دلایل عمده آن را می‌توان کاهش نقش فعالیت‌های صنعتی (قالیافی)، دامداری و نهایتاً فراهم شدن زمینه تحصیلی پس از ارتقای روستا به شهر برشمرد.

شهر فیروزآباد

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت شهر فیروزآباد ۲۸۵۷ نفر بوده است. این شهر که در سال ۱۳۷۹ در اثر سیاست ارتقای روستاهای بزرگ به شهر، تبدیل به نقطه شهری شده در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ دارای رشد جمعیت سالانه‌ای معادل ۱/۷۸ درصد بوده است. تعداد خانوارهای ساکن در این شهر در سال ۱۳۷۵ برابر ۴۰۲ خانوار بوده که این تعداد در سال ۱۳۸۵ به ۶۱۴ خانوار رسیده است. بعد خانوار در این شهر روند رو به کاهشی را نشان می‌دهد، به طوری که از ۵/۹۶ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۴/۶۵ نفر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. نسبت جنسی در این شهر با روندی رو به رشد از ۹۱/۱ درصد در سال ۱۳۷۵ - یعنی در مقابل هر ۱۰۰ مرد ۹۱ زن - به ۹۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. سطح سواد نیز در این شهر در فاصله سال‌های ۸۵-۱۳۷۵ پیشرفت درخور توجهی داشته است. در سال ۱۳۷۵، ۷۶/۱ درصد افراد ۶ ساله و بالاتر در این شهر باسواد بوده‌اند که این رقم در سال ۱۳۸۵ به ۸۲/۹ درصد رسیده است. تغییرات ایجاد شده در نسبت باسواد برحسب جنس نیز وضعیت امیدوارکننده‌ای را نشان می‌دهد، به طوری که در سال ۱۳۷۵، ۸۴/۷ درصد مردان و ۶۶/۵ درصد زنان باسواد بوده‌اند، اما این ارقام در سال ۱۳۸۵ برای مردان به ۸۹/۱ درصد و برای زنان به ۷۶/۱ درصد رسیده است.



یافته‌های تحقیق

خصوصیات نمونه

بیشتر پاسخگویان (۶۳/۹ درصد) بین ۳۱ تا ۵۰ سال سن دارند، و ۷۹/۷ درصدشان مرد هستند. بیش از ۶۷ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از دیپلم‌اند و تنها ۱۴/۹ درصدشان تحصیلات بالاتر از دیپلم دارند. حدود یک‌سوم پاسخگویان (۳۳/۷ درصد) دارای درآمد ماهانه ۲۰۰ تا ۲۹۹ هزار تومان هستند و تنها ۱۱/۴ درصدشان درآمد ماهانه‌ای بالاتر از ۴۰۰ هزار تومان دارند. ۸۵ درصد پاسخگویان شاغل‌اند و ۴۸/۵ درصد از آنها در خانوارهای ۴ و ۵ نفره زندگی می‌کنند.

ارزیابی ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی

وضعیت ابعاد و قلمروهای کیفیت زندگی در شهرهای صاحب و فیروزآباد بعد از ارتقای روستا به شهر در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کیفیت محیط: بررسی دیدگاه‌های پاسخگویان در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود کیفیت محیط شهری، نشان می‌دهد که بیش از ۹۵ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد بر این باورند که وضعیت پاکیزگی و نظافت شهرشان بهتر شده، اما در شهر صاحب ۴۷ درصد افراد معتقدند که بهبودی در وضعیت پاکیزگی و نظافت شهرشان حاصل نشده است. نظر مردم شهر فیروزآباد در مورد تغییرات شکل‌گرفته در سامانه تخلیه فاضلاب و جمع‌آوری و دفع زباله مثبت است، به طوری که به ترتیب ۴۱ و ۸۴ درصد آنها بیان کرده‌اند که وضعیت سامانه تخلیه فاضلاب و جمع‌آوری و دفع زباله بهبود یافته است. در شهر صاحب ۸۰ درصد مردم بهبود در وضعیت جمع‌آوری و دفع زباله را گزارش کرده‌اند، اما از نظر ۶۴ درصد ساکنان، وضعیت سامانه تخلیه فاضلاب و جمع‌آوری آب‌های سطحی ناامیدکننده است و بهبودی در آنها ایجاد نشده است. در مورد کیفیت آب آشامیدنی نیز ۷۰ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد و ۵۱ درصد در

شهر صاحب بیان کرده‌اند که کیفیت آب آشامیدنی در دسترس‌شان بهتر شده است. بیش از نیمی از اهالی در شهرهای فیروزآباد و صاحب نیز معتقدند که دسترسی به پارک و فضای سبز در محل زندگی‌شان بهبود یافته است. در شهر فیروزآباد، بهبود پاکیزگی و نظافت محیط شهری و در شهر صاحب بهبود سامانه جمع‌آوری و دفع زباله از نظر پاسخگویان بارزترین نتیجه ارتقای محل زندگی‌شان در قلمرو کیفیت محیط بوده است. در این شهرها بدترین وضعیت مربوط به سامانه جمع‌آوری و تخلیه فاضلاب است.

وضعیت مسکن: بررسی نظر پاسخگویان در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت مسکن، نشان می‌دهد که حدود ۸۵ درصد افراد در شهر فیروزآباد معتقدند که کیفیت خانه‌ها از نظر مصالح به کار رفته بهتر شده است، در شهر صاحب نیز ۹۰ درصد پاسخگویان همین نظر را دارند. در هر دو شهر، مردم اظهار کرده‌اند که تجهیزات و امکانات مسکن‌شان - از قبیل حمام و دستشویی بهداشتی - بهبود چشم‌گیری داشته و نظارت بر ساخت‌وساز را نیز در مقایسه با گذشته بسیار خوب و مؤثر توصیف کرده‌اند. از نظر بیش از نیمی از پاسخگویان در هر دو شهر، توانایی مردم برای تهیه مسکن بهبود یافته است. در این زمینه بیشترین بهبود در هر دو شهر مربوط به تجهیزات و امکانات مسکن از قبیل حمام و دستشویی بهداشتی و آشپزخانه مجزا بوده است.

آموزش: بررسی دیدگاه‌های مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت آموزش در شهرهای فیروزآباد و صاحب، نشان داد که بیش از ۹۶ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد بهبود دسترسی به امکانات آموزشی را گزارش کرده‌اند. اما در شهر صاحب ۴۲ درصد پاسخگویان بر این باورند که بهبودی در امکانات آموزشی در محل زندگی‌شان ایجاد نشده است. تغییرات ایجاد شده در کیفیت آموزش نیز از نظر مردم شهر فیروزآباد بسیار خوب و امیدوارکننده بود و بیش از ۸۰ درصد آنها شاهد



تغییرات مثبت در کیفیت آموزش بوده‌اند. در شهر صاحب نیز ۵۵ درصد مردم اظهار کرده‌اند که کیفیت آموزش در محل زندگی‌شان بهتر شده است.

سلامت: بررسی اظهارنظرهای مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت سلامت در شهرهای فیروزآباد و صاحب، نشان می‌دهد که ۷۴ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد بر این باورند که هیچ‌گونه بهبودی در دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی در محل زندگی‌شان رخ نداده است. اما در شهر صاحب ۵۷ درصد پاسخگویان بهبود در امکانات بهداشتی و درمانی را گزارش کرده‌اند. نظر مردم در مورد بهبود کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی در شهر فیروزآباد ناامیدکننده است و حدود ۷۵ درصد مردم اظهار داشته‌اند که کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی در مقایسه با گذشته، هیچ‌گونه بهبودی نداشته است. در شهر صاحب نیز حدود ۴۹ درصد پاسخگویان همین نظر را دارند. با این حال نظر مردم در مورد وضعیت سلامت جسمی و روانی بیانگر این موضوع است که در هر دو شهر بهبود چشم‌گیری در سلامت جسمی و روانی ساکنان مشاهده می‌شود.

به‌زیستی فردی: بررسی دیدگاه‌های مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت به‌زیستی فردی در شهرهای فیروزآباد و صاحب، نشان می‌دهد که احساس امنیت فردی در هر دو شهر بهبود چشم‌گیری داشته است، به طوری که بیش از ۹۶ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد و ۶۵ درصد پاسخگویان در شهر صاحب، بهبود امنیت فردی را در محل زندگی‌شان گزارش کرده‌اند. نگرش اهالی در مورد امید به آینده بسیار مثبت بوده است و بیش از ۸۰ درصد مردم در هر دو شهر تغییرات جدی و مثبتی را در امید به آینده بیان کرده‌اند. نظر مردم در مورد تأثیر ارتقای روستا به شهر در بهبود عدالت اجتماعی و برابری فرصت‌ها مثبت است و بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد و ۵۵ درصد پاسخگویان در شهر صاحب بیان کرده‌اند که توانایی اهالی برای تأمین نیازهای اساسی خانوار بهتر شده است. وضعیت رضایت از زندگی نیز در مقایسه

با قبل بسیار بهتر شده است و بیش از ۷۰ درصد افراد در شهرهای فیروزآباد و صاحب بر این باورند که رضایت‌شان از زندگی بیشتر شده است.

مشارکت: بررسی نظر مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت مشارکت در شهرهای فیروزآباد و صاحب نشان می‌دهد که احساس تعلق به اجتماع در میان اهالی بهتر شده است، به طوری که بیش از ۸۴ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد و ۶۱ درصد پاسخگویان در شهر صاحب بهبود چشم‌گیری را در احساس تعلق به اجتماع گزارش کرده‌اند. از نظر پاسخگویان، در شهر فیروزآباد استفاده از دیدگاه‌ها و ایده‌های مردم در امور شهری روند مثبتی داشته در حالی که در شهر صاحب عکس این روند گزارش شده است. حدود ۸۵ درصد مردم در شهر فیروزآباد بر این باورند که ارتقای محل زندگی‌شان از روستا به شهر باعث افزایش عضویت در نهادهای اجتماعی شده است. در شهر صاحب نیز ۵۵ درصد پاسخگویان همین نظر را دارند.

تفریح و اوقات فراغت: بررسی آرای مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت تفریح و اوقات فراغت در شهرهای فیروزآباد و صاحب، نشان می‌دهد که دسترسی به امکانات ورزشی در شهر فیروزآباد روند رو به رشدی داشته، اما در شهر صاحب عکس این موضوع مشاهده می‌شود، به طوری که بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان هیچ‌گونه بهبودی را در امکانات ورزشی گزارش نکرده‌اند. تغییرات ایجاد شده در دسترسی به امکانات فرهنگی، هنری در شهر فیروزآباد بسیار ضعیف بوده است و در شهر صاحب نیز وضعیت مشابهی مشاهده می‌شود. اکثر پاسخگویان در هر دو شهر بر این باورند که توان مردم برای انجام مسافرت در مقایسه با گذشته بهتر شده است.

اطلاعات و ارتباطات: بررسی نظر مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت اطلاعات و ارتباطات در شهرهای فیروزآباد و صاحب نشان می‌دهد که امکانات حمل‌ونقل عمومی در هر دو شهر بهبود چشم‌گیری داشته، به طوری که بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد و ۷۰ درصد پاسخگویان در شهر صاحب بهتر شدن



امکانات حمل‌ونقل عمومی را گزارش کرده‌اند. امکانات پستی و مخابراتی نیز از نظر مردم تغییرات مثبت فراوانی داشته‌اند و بیش از ۸۰ درصد مردم در این شهرها بر این باورند که ارتقای محل زندگی‌شان از روستا به شهر بهبود جدی در دسترسی به امکانات پستی و مخابراتی ایجاد کرده است. دسترسی به رایانه و اینترنت روند رو به رشدی در شهر فیروزآباد داشته است و بیش از ۷۰ درصد مردم بهتر شدن دسترسی به رایانه و اینترنت را اظهار کرده‌اند، اما در شهر صاحب ۴۸ درصد پاسخگویان تغییر مثبتی را گزارش نکرده‌اند. نظر مردم در مورد دسترسی به کتابخانه، روزنامه و نشریات ناامیدکننده است، و هیچ‌گونه پیشرفتی را در این موارد نشان نمی‌دهد. در شهر صاحب ۹۱ درصد مردم وضعیت دسترسی به روزنامه‌ها و نشریات را بسیار بد توصیف کرده‌اند.

کار: بررسی دیدگاه مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت کار در شهرهای فیروزآباد و صاحب نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد بر این باورند که دسترسی به فرصت‌های شغلی بهتر شده است اما در شهر صاحب بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان معتقدند که هیچ‌گونه بهبودی در فرصت‌های شغلی در محل زندگی‌شان به وجود نیامده است. رضایت و امنیت شغلی روند خوبی را در هر دو شهر نشان می‌دهد و اکثر ساکنان بهبود این شاخص‌ها را گزارش کرده‌اند.

درآمد و ثروت: بررسی نظر مردم در مورد نقش ارتقای روستا به شهر در بهبود وضعیت درآمد و ثروت در شهرهای فیروزآباد و صاحب، نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان در شهر فیروزآباد و حدود ۷۳ درصد پاسخگویان در شهر صاحب معتقدند که وضعیت درآمدشان بهتر شده است. تغییرات ایجاد شده در پس‌انداز خانوارها نیز روند مثبتی را نشان می‌دهد. حدود ۸۱ درصد افراد در شهر فیروزآباد بهبود در دارایی‌های خانوار را گزارش کرده‌اند، که این میزان در شهر صاحب ۶۸ درصد است. نظر مردم در خصوص تغییرات حاصل شده در امنیت درآمد امیدوارکننده است و بیش

/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			
/	/	/	/	/	/	/	/			

رضایت از کیفیت زندگی بعد از ارتقای روستا به شهر

کیفیت ذهنی زندگی در ناحیه مورد مطالعه برحسب پاسخ منطقی اندازه‌گیری شده است. برای این کار از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که با توجه به همه قلمروهای ذکر شده در پرسش‌نامه، میزان رضایت‌شان را از کیفیت کلی زندگی - بعد از ارتقای روستا به شهر - بیان کنند. پاسخ این سؤال به عنوان کیفیت زندگی منطقی مورد توجه قرار گرفت. کیفیت زندگی منطقی، رضایت افراد را از زندگی پس از توجه به رضایت از قلمروهای مختلف زندگی منعکس می‌سازد. به عبارتی، کیفیت زندگی منطقی بعد از اینکه پاسخگویان در مورد رضایت‌شان از قلمروهای مختلف اظهار نظر کردند، اندازه‌گیری می‌شود. پاسخگویان به این سؤال در طیف لیکرت پنج‌مقیاسی (خیلی ناراضی = ۱ تا خیلی راضی = ۵) پاسخ دادند. جدول ۵ میزان پاسخ‌گویان در دو شهر فیروزآباد و صاحب را نشان می‌دهد که در سطوح مختلف کیفیت زندگی براساس پاسخ‌شان طبقه‌بندی شده‌اند. در شهر فیروزآباد ۷۳/۵ درصد پاسخگویان از کیفیت زندگی‌شان بعد از ارتقای روستا به شهر راضی بودند و تنها کمتر از ۴ درصد افراد از کیفیت زندگی‌شان ابراز ناراضی‌تی کردند. میانگین امتیازات کیفیت زندگی برای پاسخگویان در شهر



فیروزآباد ۳/۹۹ با انحراف استاندارد ۰/۸۲۶ است. در شهر صاحب تنها ۱۶ درصد افراد از کیفیت زندگی‌شان راضی بودند و ۳۲ درصد افراد از کیفیت زندگی ناخرسند بودند. میانگین امتیازات کیفیت زندگی برای پاسخگویان در شهر صاحب ۲/۷۳ با انحراف استاندارد ۰/۸۹۷ است.

()	()	
	/	
	/	
	/	
/	/	
/	/	

مدل تحلیلی کیفیت زندگی

پسیون (۲۰۰۳) و ریچارد و همکارانش (۲۰۰۷) مطرح ساخته‌اند که رگرسیون چندگانه می‌تواند برای شناسایی سهم هر قلمرو در کیفیت ذهنی زندگی و ایجاد مدل علی که برهم‌کنش بین قلمروها و معرف‌ها را نشان دهد، مورد استفاده قرار گیرد. یکی از اهداف این مطالعه، ایجاد مدل علی از طریق شناسایی قلمروهای غالب مؤثر بر کیفیت زندگی بعد از ارتقای روستا به شهر است. پرسش اصلی برای ایجاد این مدل آن است که کدام قلمروهای زندگی بیشترین تأثیر علی را بر کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه دارند. پاسخ به این سؤال می‌تواند در درک تأثیر علی قلمروها و طراحی برنامه‌های اثربخش برای بهبود کیفیت زندگی شهری در منطقه مؤثر باشد. در پژوهش حاضر تنها مدل علی کیفیت زندگی برای شهر فیروزآباد تهیه شده است.

تحلیل رگرسیون چندگانه برای شناسایی قلمروهای غالب زندگی و معرف‌های اصلی

هر قلمرو زندگی به کار گرفته شده است. ضرایب رگرسیون، سهم نسبی هر قلمرو و معرفها را در کیفیت زندگی نشان می‌دهند. ارتباط علی بین قلمروهای زندگی و رضایت از کیفیت زندگی بعد از ارتقای روستا به شهر چنین است:

$$QOL = 0.35EQ + 0.74HO + 0.26ED - 0.24HE - 0.57PW + 0.17PA - 0.73IC + 0.23CE + 0.16EM + 0.66IN$$

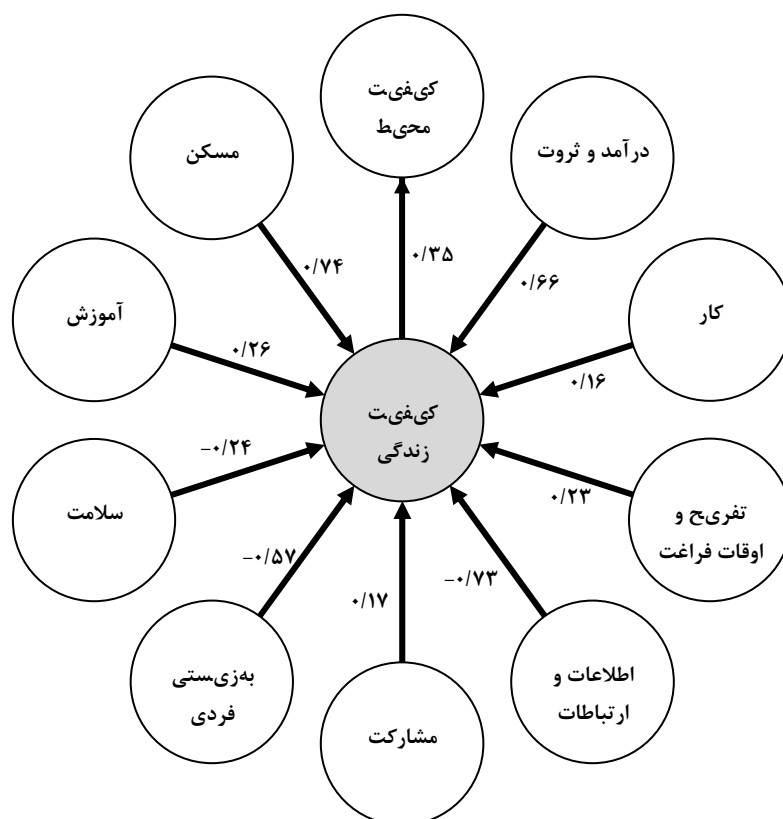
EQ: کیفیت محیط، HO: مسکن، ED: آموزش، HE: سلامت، PW: به‌زیستی فردی، PA: مشارکت، IC: اطلاعات و ارتباطات، CE: تفریح و اوقات فراغت، EM: کار، IN: درآمد و ثروت.

مجموع واریانس کیفیت زندگی تبیین‌شده به‌وسیله این مدل ۵۷ درصد است. ضرایب موجود در این مدل تأثیر نسبی هر قلمرو را بر کیفیت زندگی نشان می‌دهند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم هر قلمرو در کیفیت زندگی یکسان نیست. قلمروی که قوی‌ترین تأثیر علی را دارد، مسکن است و قلمروهای بعدی اطلاعات و ارتباطات و درآمد و ثروت هستند. قلمروهایی که ضعیف‌ترین تأثیر علی را بر کیفیت زندگی دارند، کار و مشارکت‌اند. پژوهش نشان می‌دهد که قلمروهای شناسایی شده زندگی در این مطالعه، تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی افراد دارند.

افزون بر این، ارتباط بین رضایت از قلمروها و معرفهای ادراک‌شده مربوط به هر قلمرو نیز اندازه‌گیری شده است. نظافت و پاکیزگی محیط شهری غالب‌ترین تأثیر را بر رضایت از کیفیت محیط دارد، در حالی که سامانه تخلیه فاضلاب کمترین تأثیر را بر رضایت از کیفیت محیط شهری داشته است. امکانات و تجهیزات مسکن به‌عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده در مقایسه با دیگر معرفهای مسکن شناخته شده و تملک مسکن کمترین تأثیر را بر رضایت از مسکن داشته است. در قلمرو آموزش، دسترسی به امکانات آموزشی بیشترین تأثیر را بر رضایت از آموزش دارد و میزان تحصیلات دارای کمترین تأثیر بر رضایت از وضعیت آموزش است. کیفیت خدمات بهداشتی - درمانی



به عنوان بهترین پیش بینی کننده رضایت از سلامت در مقایسه با دیگر معرفها شناخته شده است.



در قلمرو بهزیستی فردی، امنیت قوی ترین پیش بینی کننده رضایت از بهزیستی فردی بوده است. احساس تعلق به اجتماع، تأثیری قوی بر رضایت از مشارکت دارد. دسترسی به حمل و نقل عمومی بیشترین تأثیر را بر رضایت از وضعیت اطلاعات و ارتباطات دارد. در قلمرو تفریح و اوقات فراغت، دسترسی به امکانات فرهنگی و هنری به عنوان مهم ترین پیش بینی کننده شناخته شده است. امنیت شغلی در قلمرو کار

بیشترین تأثیر را بر رضایت از وضعیت کار دارد. نهایتاً پس‌انداز خانوار به‌عنوان مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت از قلمرو درآمد و ثروت شناخته شده است.

نتیجه‌گیری

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، توجه برنامه‌ریزان به تمرکززدایی فضایی - کالبدی سرزمین با هدف توازن بخشیدن به نظام سکونتگاهی، مهار رشد ناهنجار کلان‌شهرها، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی شهری - روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، بهبود کیفیت زندگی در نواحی شهری و روستایی، و کاهش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ به راهبردهای متفاوتی در زمینه توزیع جمعیت و شهرنشینی منجر شده است. یکی از مهم‌ترین راهبردهای موجود در این خصوص، توجه به تقویت شهرهای کوچک و حمایت از این‌گونه شهرها در شبکه شهری کشور است.

در این مطالعه، نقش ارتقای روستاها به شهر در بهبود کیفیت زندگی ساکنان دو شهر فیروزآباد و صاحب‌مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که ارتقای روستا به شهر توانسته است بهبود چشمگیری در کیفیت زندگی ساکنان شهر فیروزآباد ایجاد کند. در این شهر جز در قلمرو سلامت، روند مثبتی در ۹ قلمرو دیگر کیفیت زندگی مشاهده شده است. در شهر صاحب‌مورد نیز ارتقای روستا به شهر توانسته است بهبودی نسبی در کیفیت زندگی ساکنان ایجاد کند، به‌طوری‌که در شش قلمرو کیفیت محیط، مسکن، آموزش، به‌زیستی فردی، اطلاعات و ارتباطات و درآمد و ثروت تغییرات مثبتی مشاهده می‌شود، اما در چهار قلمرو سلامت، مشارکت، اوقات فراغت و کار بهبودی دیده نمی‌شود.

کیفیت ذهنی زندگی که براساس پاسخ منطقی افراد اندازه‌گیری شده، برای تحلیل‌های بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج بررسی‌ها در شهر فیروزآباد نشان می‌دهد که ۷۳/۵ درصد پاسخگویان بر این باورند که ارتقای محل زندگی‌شان از روستا



به شهر، باعث بهبود کیفیت کلی زندگی شده است و تنها ۳/۹ درصد اظهار کرده‌اند که کیفیت کلی زندگی‌شان بدتر شده است. در شهر صاحب ۱۶ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که ارتقای محلی زندگی‌شان از روستا به شهر به بهبود کیفیت زندگی آنها انجامیده است و ۳۲ درصد آنها از کیفیت زندگی‌شان ناراضی هستند. ۶۴ درصد مردم این شهر ابراز کرده‌اند که ارتقای روستا به شهر تا حد کمی توانسته انتظارات‌شان را برآورده سازد، ۲۳ درصد در حد معمول و تنها ۱۳ درصد بر این باورند که انتظارات‌شان تا حد بالایی تأمین شده است.

ارزیابی رضایت از قلمروهای مورد استفاده در این مطالعه نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در شهر فیروزآباد بیشترین میزان رضایت را از قلمرو آموزش (با ارزش میانگین ۴/۵۸ و انحراف استاندارد ۰/۴۹۴) و کمترین میزان رضایت را از قلمرو سلامت (بازارزش میانگین ۳/۵۹ و انحراف استاندارد ۱/۰۳) داشته‌اند. در شهر صاحب بیشترین میزان رضایت مربوط به قلمرو مسکن (بازارزش میانگین ۴/۲۶ و انحراف استاندارد ۰/۴۸۲) و کمترین میزان رضایت مربوط به قلمرو تفریح و اوقات فراغت (با ارزش میانگین ۲/۱۵ و انحراف استاندارد ۰/۶۳۲) بوده است.

کیفیت ذهنی زندگی نتیجه رضایت افراد از قلمروهای مختلف زندگی آنهاست. رضایت از قلمروها نیز نتیجه رضایت از معرف‌های مربوط به هر قلمرو است. از این رو، مدل علی کیفیت زندگی برای شهر فیروزآباد براساس تحلیل رگرسیون چندگانه محاسبه شده است. این مدل ۵۷ درصد تغییرات کیفیت زندگی ذهنی ساکنان را بعد از ارتقای روستا به شهر در ناحیه مورد مطالعه تبیین می‌کند. با وجود این، تأثیر ۱۰ قلمروی مورد مطالعه بر کیفیت زندگی یکسان نیست. در شهر فیروزآباد، رضایت از مسکن، اطلاعات و ارتباطات و درآمد قوی‌ترین تأثیر علی را بر کیفیت زندگی پاسخگویان داشته‌اند. رضایت از کار و مشارکت نیز دارای کمترین تأثیر بر کیفیت زندگی بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که هر تلاشی برای بهبود کیفیت زندگی در

ناحیه مورد مطالعه باید ابتدا متمرکز بر قلمروهایی همچون مسکن، اطلاعات و ارتباطات و درآمد باشد - که بالاترین تأثیر را بر کیفیت زندگی دارند. به طور کلی، یافته‌های این مطالعه برای طراحی مطالعات بعدی کیفیت زندگی شهری مفید خواهد بود.

منابع

امکچی، حمیده، ۱۳۸۳، شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.

ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، نقش تبدیل روستاها به شهر در توسعه روستایی مورد: استان فارس، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.

باقری، اشرف‌السادات، ۱۳۷۵، کارکردهای شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای، مطالعه موردی نجف‌آباد و خمینی شهر، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.

جعفرزاده راستین، مهرداد، ۱۳۶۶، جمعیت و شهرنشینی، مرکز آمار ایران.

حسینی حاصل، صدیقه، ۱۳۷۸، جایگاه و نقش عملکردی شهرهای کوچک در توسعه روستایی مورد: رزن (همدان)، مجموعه مقالات پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران.

دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور، ۱۳۸۵، ضوابط و معیارهای تبدیل روستا به شهر در کشور.

رزاقی، ابراهیم، ۱۳۶۷، اقتصاد ایران، نشر نی، چاپ اول، تهران.

رضوانی، محمدرضا؛ شکیبا، علیرضا؛ منصوریان، حسین، ۱۳۸۷، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، پاییز و زمستان.

رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین ۱۳۸۷، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه،



سال ۱۱، شماره ۳، پاییز.

رستمی، کورش، ۱۳۸۰، نقش عملکردی شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای مورد: دارخوین (خوزستان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، تحلیلی بر رویکردهای مکان‌یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی: بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی و مدل تخصیص مکانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۳، پاییز ۸۰، صص ۶۶-۳۰.

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ ایزدی خرامه، حسن؛ ۱۳۸۱، نقش تبدیل روستا به شهر در افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری در نواحی روستایی (مورد استان فارس)، دومین همایش دوسالانه اقتصاد ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۳، اندازه شهر، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.

شیخی، داود، ۱۳۸۲، نقش روستاشهر در توسعه ناحیه‌ای مورد مطالعه: بخش خنداب (شهرستان اراک)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.

فنی، زهره، ۱۳۸۲، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول.

قادرمزی، حامد، ۱۳۸۳، نقش روستاشهرها در توسعه روستاهای پیرامونی (مطالعه موردی: روستاشهر دهگلان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.

Bukenya, J., Gebremedhin, T. & Schaeffer, P., ۲۰۰۳, **Analysis of Quality of Life Rural Development: Evidence from West Virginia Data**, Growth and Change, No. ۳۴.

- Costanza, R., 2007, **Quality of Life: An Approach Integration Opportunities, Human Needs, and Subjective Well-Being**, Ecological Economics, No. 61, 267-276.
- Das, D., 2008, **Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati**, Social Indicators Research, No. 88, 297-310.
- David E.B., Patricia H.C. & Pia N.M., 2001, **The Quality of Life in Rural Asia**, Asian Development bank.
- Epley, D. & Menon, M., 2008, **A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life**, Soc Indic Res, 88:281-296.
- Foo, T.S., 2000, **Subjective Assessment of Urban Quality of Life in Singapore (1997-1998)**, Habitat International, 24(1):31-49.
- Glatzer, W., 2007, **Quality of Life in the European Union and the United States of America: Evidence from Comprehensive Indices**, Applied Research in Quality of Life, 1:169-188.
- Grasso, M. & Canova, L., 2007, **An Assessment of the Quality of Life in the European Union Based on the Social Indicators Approach**, Soc Indic Res, 87: 1-25.
- Irina G. Malkina-Pykh & Yuri A. Pykh, 2007, **Quality of Life Indicators at Different Scales: Theoretical Background**, Ecological Indicators, No. 228.
- Lee, Y.J., 2008, **Subjective Quality of Life Measurement in Taipei**, Building and Environment, No. 43(7): 1205-1215.
- McMahon S.K., 2002, **The Development of Quality of Life Indicators- A Case Study from the City of Bristol, UK**, Ecological Indicator, No. 2.
- Pacione, M., 2003, **Urban Environmental Quality and Human Wellbeing -A**



Social Geographical Perspective, Landscape and Urban Planning, No. ۶۵.

Richards R., Olery B. and Mutsonziwa K., ۲۰۰۷, **Measurment Quality of Life in Informal Settlements in South Africa**, Social indicator research, ۸۱: ۳۷۵-۳۸۸.

United Nations Population fund, ۲۰۰۷, **State of World Population ۲۰۰۷, Unlishing the Potential of Urban Growth**, New York, UNFPA.

References (in Persian)

Amkachi, H., ۲۰۰۴, **Middle Cities and Theirs Roles in National Development**, Iranian Center of Urban Researches and Studies, Tehran.

Bagheri, A., ۱۹۹۶, **Function of Middle Cities in Regional Development, Case Study: Najafabad and Khomeini Shahr**, ۱۹۹۶, Ph.D. Thesis in geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran.

Eftekhari, A.R. and Izadi Khrameh, H., ۲۰۰۲, **Analysis of Site Selection and Distribution of Services in Rural Regions**, Geographical Research Quarterly, Vol. ۱۶, No.۳, University of Esfahan, Esfahan, PP. ۳۰-۶۶.

Eftekhari, A.R. and Izadi Khrameh, H., ۲۰۰۳, **Role of Change from Village to City on Increase of Employment Opportunity and Decline of Unemployment in Rural Areas (Fars Province)**, The ۷th Seminar of Iranian Economy, University of Tarbiat Modares, Tehran.

Fanni, Z., ۲۰۰۳, **Small City a New Approach in Regional Development**, Organization of Iranian Municipalities, Tehran.

Ghdermarzi, H., ۲۰۰۴, **Role of Rural Cities in Peripheral Villages, Case Study: Dehgalan-Kordestan**, M.A. Dissertation in Geography and Rural Planning, University of Tarbiat Modares, Tehran.

Hosseyni Hasel, S., ۱۹۹۹, **Role of Small Town in Rural Development**, Proceeding of Seminar on Researches and Potential of Geography for Development, Institute of Geography, Tehran.

- Izadi Kharameh, H., ۲۰۰۱, **Role of Change from Village to City in Rural Development, Case Study: Fars Province**, Ph.D. Thesis in Geography and Rural Development, University of Tarbiat Modares, Tehran.
- Jafarzadeh, R., ۱۹۸۵, **Population and Urbanization**, Statistical Center of Iran, Tehran.
- Ministry of Country, ۲۰۰۶, **Regulations of Territory Divisions in Iran**, Office of Territory Divisions, Tehran.
- Razzaghi, E., ۱۹۸۸, **Iran Economy**, Nei Publication, Tehran.
- Rezvani, M.R., Mansurian, H., ۲۰۰۸, **Assessment of Quality of life: Study of Concepts, Indicators, and Proposal Model for Rural Areas**, Journal of Village and Development, Vol. ۱۱, No. ۳, Ministry of Agriculture, Tehran.
- Rezvani, M.R., Shakiba, A., Mansurian, H., ۲۰۰۸, **Assessment of Quality of Life in Rural Areas**, Social Welfare Quarterly, Vol. ۸, ۳۰-۳۱, University of Well-being, Tehran.
- Rostami, K., **Role of Small Town in Regional Development; Case Study: Darkhovin- Khuzestan**, ۲۰۰۷, M.A. Dissertation in Urban Planning, University of Tarbiat Modares, Tehran.
- Sheikhi, D., ۲۰۰۳, **Role of Rural Cities in Regional Development**, M.A. Dissertation in Geography and Rural Planning, University of Tehran, Tehran.
- Zebardast, E., ۲۰۰۴, **City Size**, Publication of Urban Planning Center, Tehran.